

واکنش تعجب (انگشت به دندان/دهان گرفتن) در شعر و نگارگری ایرانی

چکیده

انسان‌ها در مواجهه با برخی از پدیده‌های اطراف خود هیجان‌هایی را از خود بروز می‌دهند. یکی از این هیجان‌ها، تعجب است که در برابر رویدادهای شگفت‌انگیز صورت می‌گیرد. انسان متعجب، واکنش‌هایی را از خود نشان می‌دهد که ریشه‌هایی فیزیولوژیکی و فرهنگی دارند. به نظر می‌رسد که یکی از راه‌های نشان‌دادن علائم فرد متعجب، در فرهنگ ایران، واکنش "گرفتن انگشت به دهان یا دندان" بوده که تابع مسائل فرهنگی است. در این مقاله سعی بر آن است به روش توصیفی-تاریخی، پیشینه این عکس‌العمل، تغییرات احتمالی در بستر زمان و چرایی استفاده از آن در نگارگری ایران، را دریابد. بدین منظور، بصورت کتابخانه‌ای و اسنادی، با بررسی شعر فارسی در گستره‌ای نزدیک به هزار سال، از زمان رودکی تاکنون، این اصطلاح در موقعیت‌های تعجب، به‌عنوان واکنشی برای شخص متعجب، مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین نمونه‌های تصویری آن، در نگارگری ایران در تاریخی نزدیک به هفتصد سال بررسی شده است. حاصل تحقیق این است که این واکنش، در تاریخ فرهنگی ایران، نزدیک به هزار سال بدون تغییر در شکل و معنی، در تمامی سده‌ها، حضوری چشمگیر داشته و راهی مناسب، برای نشان دادن فرد متعجب، توسط هنرمندی است که بنا به ضوابط و شیوه نگارگری، نبایست هیجانات چهره را بازنمایاند.

اهداف پژوهش:

۱- پیشینه اصطلاح « انگشت به دندان/دهان گرفتن » و تغییرات احتمالی در شعر و نگارگری ایران

۲- چرایی استفاده این اصطلاح ادبی در نگارگری ایران

سوالات پژوهش:

۱- پیشینه اصطلاح « انگشت به دندان/دهان گرفتن » و تغییرات احتمالی در شعر و نگارگری ایران چیست؟

۲- چرا این اصطلاح ادبی در نگارگری ایران به‌وفور قابل مشاهده است؟

کلید واژه‌ها : شعر و نگارگری ایرانی، واکنش تعجب، انگشت به دندان/دهان گرفتن.

مقدمه

انسان‌ها در مواجهه با برخی از پدیده‌های اطراف خود هیجان‌هایی را از خود بروز می‌دهند. یکی از این هیجان‌ها، تعجب است که در برابر رویدادهای شگفت‌انگیز صورت می‌گیرد. انسان متعجب، واکنش‌هایی را از خود نشان می‌دهد که ریشه‌هایی فیزیولوژیکی و فرهنگی دارند. واکنش‌هایی همچون باز شدن دهان، مکث، و گرد شدن چشم‌ها به نظر مواردی فیزیولوژیکی می‌آیند چراکه در اکثر فرهنگ‌های گوناگون و انسان‌های متعدد، تقریباً یکسان هستند. اما عکس‌العمل‌هایی نیز وجود دارد که صرفاً فیزیولوژیکی به نظر نمی‌رسند؛ چراکه تنها در فرهنگی خاص، قابل مشاهده‌اند. مانند "انگشت به دهان گرفتن"، که ظاهراً واکنشی مختص به فرهنگ ایرانی است و در تاریخ شعر و نگارگری ایران نزدیک به هزار سال قابل مشاهده است. بنابراین بررسی واکنش "انگشت به دهان گرفتن" به عنوان یکی از عکس-العمل‌های ایرانیان، در موقعیت تعجب، در طول تاریخی نزدیک به هزار سال، از دغدغه‌های اصلی این پژوهش خواهد بود. این‌که پیشینه این عکس‌العمل در شعر و نگارگری به چه زمان بازمی‌گردد و در بستر زمان چه تغییراتی کرده و چرا از آن در نگارگری ایران، استفاده شده است. برای این منظور، نمونه‌هایی از این پدیده، در آثار هنری و ادبی ایران در هر سده، ارائه و مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت تا سیر تداوم، تغییر یا انقراض آن روشن شود. این مقوله، متأسفانه تا کنون از چشم پژوهشگران به دور مانده است. لذا بررسی آن، لازم بنظر می‌رسد و نتایج آن می‌تواند در حوزه روانشناسی، تاریخ هنر و ادبیات، سودمند واقع شود. این مقاله از نظر هدف، از نوع تحقیقات بنیادی است و سعی در روشن نمودن جایگاه انگشت به دهان گرفتن به عنوان واکنشی در موقعیت تعجب دارد که در بستر تاریخ هنر و ادبیات ایران بجای مانده است. تحقیق به روش توصیفی-تاریخی و همبستگی انجام خواهد گرفت. داده‌های تحقیق نگارگری و مطالب روانشناسی، ادبیات و هنر است که بصورت کتابخانه‌ای و اسنادی و از طریق ابزار فیش‌برداری و مشاهده، از منابع و مآخذ مربوط، استخراج و جمع‌آوری شده‌اند. در این راستا، سعی بر آن بوده از هر سده حداقل یک نمونه شعر و نگارگری مربوط با موضوع، انتخاب و مورد مطالعه تطبیقی قرار گیرد تا با مقایسه هر دو حوزه، مسئله اصلی، شرح و تبیین یابد. تا کنون درخصوص این موضوع، تحقیق جامع و کاملی صورت نگرفته است. صرفاً مواردی دربارهٔ چهره‌نگاری در نگارگری ایران انجام شده که نسبتاً به موضوع این تحقیق، نزدیک است. حسنوند و آخوندی (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «بررسی سیر تحول چهره‌نگاری در نگارگری تا انتهای دورهٔ صفوی» که در نشریه نگره

به چاپ رسیده است؛ به این نتیجه رسیدند که ترسیم چهره‌های غیرواقع‌گرا در نگارگری سنتی ایران ناشی از بی‌مهارتی نگارگران ایرانی نبوده است و عوامل بسیاری چون سلیقه و سیاست و شیوه کتاب‌آرایی و آداب استاد شاگردی، موضوع و ادبیات در آن دخیل بوده و کتابخانه سلطنتی این سنت‌ها را به دوره‌های بعد انتقال می‌داده است. پیروی از این چهارچوب و اصول خاص تا سده‌ها پابرجا بود. هرچند چهره‌ها غیرواقع‌گرا هستند لیکن ویژگی‌های منحصر بفرد خود را دارند. موسوی‌لر و نمازعلیزاده (۱۳۹۱) نیز در مقاله خود با عنوان «چهره‌نگاری سلجوقی؛ تداوم فرهنگ بصری مانوی» که در نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی به چاپ رسیده است؛ به این نتیجه رسیدند که چهره‌نگاری سلجوقی برگرفته از الگوهای چهره‌نگاری مانوی است و دوری از بازنمایی و تقلید مطلق یکی از ویژگی‌های این نوع چهره‌نگاری است؛ تا جایی که چهره مرد و زن یکسان ترسیم شده است.

نتیجه‌گیری

اصطلاح ادبی "انگشت به دهان/دندان گرفتن"، یکی از اصطلاحاتی است که در طول تاریخ، هنرمندان و شاعران ایرانی، برای نشان دادن واکنش افراد متعجب در مواجهه با پدیده‌های شگفت‌انگیز، از آن سود برده‌اند. در این عکس-العمل، فرد متعجب، در حالی که به سوژه خیره است؛ انگشت سیاه دست را بر لب، دندان یا دهان قرار داده است. کاربرد اصطلاح انگشت به دندان گرفتن در شعر بیشتر از انگشت به دهان گرفتن است ولی انگشت به دندان گرفتن در نگارگری اصلاً ترسیم نشده و همیشه فرد متعجب انگشت به دهان یا لب دارد و دندان او نمایان نیست. از آنجایی که هنر نگارگری و شعر ایرانی، بیانی رمزگون و نمادین دارد و از طرفی ترسیم حالات چهره در موقعیت‌های هیجانی متفاوت در نگارگری ایرانی یکسان است؛ کاربرد این اصطلاح کنایی برای نگارگر، راهی مناسب در نشان دادن حالات درونی افراد بود. با توجه به این که "انگشت به دهان/دندان گرفتن" اصطلاحی است که صرفاً در ادبیات و نقاشی ایرانی قابل مشاهده است آن را باید مختص به فرهنگ ایرانی دانست. این اصطلاح ابتدا در شعر کهن فارسی ظهور یافت و زیبایی آن توجه ادیبان را برانگیخت و اصطلاحی پرکاربرد در ادبیات ایران شد و در تمام سده‌ها نزدیک به هزار سال به‌ویژه شعر فارسی دوام یافت تأثیر عمیق ادبیات فارسی بر نگارگری ایران باعث شد تا این اصطلاح به نقاشی نیز وارد شود و به‌وفور، بدون تغییر معنایی، با همان نشانه‌ها و علائم قبلی، تکرار شود و از هفتصد سال قبل تا به امروز در نقاشی سنتی ایران قابل مشاهده باشد.

منابع

کتاب‌ها

- آژند، یعقوب (۱۳۸۷) مکتب نگارگری شیراز، تهران: فرهنگستان هنر.
- انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، جلد ۱، تهران: سخن.
- بهار، محمد تقی (۱۳۸۷) دیوان ملک‌الشعرای بهار، تهران: نگاه.
- بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالحق (۱۳۸۷) غزلیات بیدل دهلوی، جلد ۲، تصحیح: اکبر بهداروند، شیراز: نوید شیراز.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۴) نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۶) دایره المعارف هنر، تهران: فرهنگ معاصر.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد (۱۳۸۶) مثنوی هفت اورنگ، تصحیح: مرتضی مدرس گیلانی، تهران: اهورا.
- خداپناهی، محمدکریم (۱۳۸۹) انگیزش و هیجان، تهران: سمت.
- خلف تبریزی، محمد حسین (۱۳۷۶) برهان قاطع، جلد ۱، تهران: امیرکبیر.
- خوسفی بیرجندی، ابن حسام (۱۳۸۱) خاوران‌نامه، تهران: کاخ گلستان و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۴) لغت‌نامه، جلد ۹، تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه دهخدا، جلد ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد (۱۳۹۳) غیاث‌اللغات، تهران: امیرکبیر.
- رودکی، ابوعبدالله جعفر محمد (۱۳۷۹) دیوان اشعار رودکی، تهران: فرهنگ کاوش.
- ریو، جان مارشال (۱۳۸۹) انگیزش و هیجان، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
- سعدی، ابو محمد مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۸۵) کلیات سعدی، تهران: آبان.
- سلمان ساوجی (۱۳۷۱) دیوان سلمان ساوجی، تصحیح: ابوالقاسم حالت، به کوشش احمد کرمی، تهران: ما.
- سیف فرغانی (۱۳۶۴) دیوان سیف فرغانی، تصحیح: ذبیح الله صفا، تهران: فردوسی.
- صائب تبریزی، میرزا محمد علی (۱۳۶۵) دیوان صائب تبریزی، جلد سوم، به کوشش: محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.

عطار نیشابوری (۱۳۸۷) دیوان اشعار عطار نیشابوری، تهران: گلسار.

عکاشه، ثروت (۱۳۸۰) نگارگری اسلامی، ترجمه: غلامرضا تهامی، تهران: انتشارات سوره مهر.

عمید، حسن (۱۳۸۹) فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات راه رشد.

غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۶۸) احیا علوم الدین، ترجمه: مویدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، جلد سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

فرانکن، رابرت (۱۳۸۴) انگیزش و هیجان، ترجمه: حسن شمس اسفندآباد، غلامرضا محمودی و سوزان امامی‌پور، تهران: نشر نی.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹) شاهنامه شاه طهماسب (هوتون)، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۹) شاهنامه فردوسی (انگلیسی)، مترجم: روبن لوی، تهران: یساولی.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۰) شاهنامه، متن کامل بر اساس نسخه چاپ مسکو، تهران: پیمان.

قائنی، حبیب‌الله ابن محمد علی (۱۳۸۷) دیوان کامل حکیم قائنی شیرازی، تصحیح: مجید شفق، تهران: سنایی.

کن‌بای، شیلا (۱۳۸۲) نقاشی ایرانی، ترجمه: مهدی حسینی، تهران: دانشگاه هنر.

گراپر، اولگ (۱۳۹۰) مروری بر نگارگری ایرانی، ترجمه: مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: فرهنگستان هنر.

منوچهری دامغانی (۱۳۷۵) دیوان منوچهری دامغانی، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی، تهران: زوآر.

نفیسی، نوشین‌دخت (۱۳۸۶) مجموعه مقالات همایش بین‌المللی کمال‌الدین بهزاد، تهران: فرهنگستان هنر.

نقوی، شهریار (۱۳۴۱) فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

وحشی بافقی، کمال‌الدین (۱۳۸۰) دیوان وحشی بافقی، به کوشش پرویز بابائی، تهران: نگاه.

ولش، آنتونی (۱۳۸۹) نگارگری و حامیان صفوی، ترجمه: روح‌الله رجبی، تهران: فرهنگستان هنر.

هاتف اصفهانی (۱۳۴۵) دیوان هاتف اصفهانی، تصحیح: وحید دستگردی، تهران: ارمغان.

مقالات:

آلبوغیش، عبدالله و آشتیانی عراقی، نرگس (۱۳۹۷) "پیوند ادبیات و نگارگری؛ خوانش تطبیقی لیلی و مجنون جامی و نگاره‌ای از مظفر علی"، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۶، ش ۱، صص ۵۸-۳۱.

اخوانی، سعید و محمودی، فتنه (۱۳۹۷) "واکاوی لایه‌های معنایی در نگاره‌های نسخه خاوران‌نامه با رویکرد آیکونولوژی"، هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۲۳، ش ۲، صص ۳۴-۲۳.

حسنوند، محمدکاظم و آخوندی، شهلا (۱۳۹۱) "بررسی سیر تحول چهره‌نگاری در نگارگری تا انتهای دوره صفوی"، نگره، ش ۲۴، صص ۳۵-۱۵.

ربانی خوراسگانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۸) "جامعه‌شناسی احساسات"، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۳۴، صص ۶۴-۳۵.
شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۶) "جایگاه مضمونی و زیباشناسی شعر در نگاره‌های خمسه شاه تهماسبی"، مطالعات هنر اسلامی، ش ۷، صص ۲۲-۶.

شایسته‌فر، مهناز و رحیمی، سیامک (۱۳۸۹) "بررسی آداب تربیتی نگارگران بر پایه‌ی گفتار صادقی بیک در رساله‌ی قانون‌الصور"، مطالعات هنر اسلامی، ش ۱۳، صص ۲۴-۷.

طیبیان، سید حمید (۱۳۹۱) "نقد و بررسی ویژگی‌های واژگانی، زبانی، دستوری، و نگارشی منتهی‌الارب"، کهن‌نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۰۰-۹۱.

موسوی‌لر، اشرف‌السادات و نمازعلیزاده، سهیلا (۱۳۹۱) "چهره‌نگاری سلجوقی؛ تداوم فرهنگ بصری مانوی"، مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال چهاردهم، شماره ۱۳، صص ۱۰۵-۸۵.

منابع انگلیسی:

Bürki-Cohen, J (2010) "Technical challenges of upset recovery training: Simulating the element of surprise", Proceedings of the AAIA Modeling and Simulation Technologies Conference.

Capps L, Yirmiya N, Sigman M (1992) "Understanding of simple and complex emotions in non-retarded children with autism", J Child Psychol Psychiatry, 33(7), pp1169-1182.

Hochschild, Arlie Russell (1979) "Emotion Work, Feeling Rules and Social Structure", American Journal of Sociology, 85(3). Pp: 551-75.

Horstmann, G (2006) "Latency and duration of the action interruption in surprise", Cognition & Emotion, 20(2), 242-273.

Kohler CG, Turner T, Stolar NM, Bilker WB, Brensinger CM, Gur RE, et al (2004) "Differences in facial expressions of four universal emotions", Psychiatry Res. 128(3), 235-44.

Reisenzein, Rainer, Meyer, Wulf-Uwe, Schützwohl, Achim (1996) "Reactions to Surprising Events: A Paradigm for Emotion Research", Proceedings of the 9th conference of the International Society for Research on Emotions, Toronto, ISRE, pp. 292-296.

Shott, Susan (1979) "Emotion and Social Life: A Symbolic Interactionist Analysis", American Journal of Sociology, 84(6), 1317-34.

Turner, Jonathan.H (1999) "Toward a General Sociological Theory of Emotions", Journal for the Social Behaviour, 29(2), 133-62.

منابع سایت:

تاریخ بازیابی ۱۷ مرداد ۹۶ www.ganjoor.net

تاریخ بازیابی ۱۱ آبانماه ۹۶ www.lahore.icro.ir

تاریخ بازیابی ۳ دیماه ۹۶ www.macmillandictionary.com

تاریخ بازیابی ۷ دیماه ۹۶ www.noorlib.ir

منابع تصاویر:

پاکباز، رویین (۱۳۸۴) نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: انتشارات زرین و سیمین.

خوسفی بیرجندی، ابن حسام (۱۳۸۱) خاوران‌نامه، تهران: کاخ گلستان و سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ذکاء، یحیی (۱۳۸۲) زندگی و آثار استاد صنیع الملک، ویرایش و تدوین: سیروس پرهام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، سازمان میراث فرهنگی کشور.

عکاشه، ثروت (۱۳۸۰) نگارگری اسلامی، ترجمه: غلام‌رضا تهامی، تهران: انتشارات سوره مهر.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹) شاهنامه شاه طهماسب (هوتون)، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

تاریخ بازیابی ۵ مهر ۹۶ www.facsimilefinder.com

تاریخ بازیابی ۲۳ آبانماه ۹۶ www.islamorient.com

تاریخ بازیابی ۱۳ آذر ۹۶ www.wikipedia.org